همایش بررسی مطبوعات در جریان ملی کردن نفت ایران

مهران، مجید



1-موضوع همایش

در تاریخ یکشنبه بیستم آذر ماه 1384 همایشی در موضوع‏ «بررسی مطبوعات در دوران ملی کردن نفت ایران»در موسسه‏ی‏ مطالعات تاریخ معاصر ایران تشکیل شد.آقای مرتضی رسولی از دبیران موسسه،با شایستگی و بی‏طرفی جلسه را اداره کرد.ابتدا آقای‏ دکتر هر میداس باوند استاد دانشگاه امام جعفر صادق و از دیپلمات‏های‏ برجسته که اکنون بازنشسته شده‏اند،شرح مبسوطی درباره‏ی سوابق‏ تاریخی و روند ملی کردن صنایع در قاره‏ی اروپا خصوصا کشور انگلستان و نقش مهمی که دولت کارگر در زمان نخست‏وزیری‏ کامنت اتلی بازی کرد،بیان داشتند و اشاره کردند دولت دکتر مصدق‏ در چارچوب قانون 9 ماده‏یی ملی کردن نفت،خود را محدود کرده بود و با این که پیشنهاد بانک جهانی نسبت به پیشنهادات قبلی امتیازاتی‏ داشت،به همین دلیل نتوانست آن را بپذیرد و از منع قانونی پا را فراتر گذارد.

آقایان محمود طلوعی و محّمد کشورزیان که سوابق طولانی در جامعه‏ی روزنامه‏نگاران دارند،در خصوص وضع مطبوعات در دهه‏ی 20 و آشفتگی که پس از شهریور 20 در جامعه‏ی‏ روزنامه‏نویسان پیش آمده بود،سخنانی ایراد کردند.آن‏گاه،نخست، آقای دکتر محمد رضا جلالی نائینی درباره‏ی نقش دکتر حسین‏ فاطمی در خصوص ملی کردن نفت که اولین کسی بود این پیشنهاد را در جبهه‏ی ملی مطرح کرد سخنانی گفتند.آقای سید عبد اللّه انوار هم با ذکر قسمت‏هایی از کتاب اسناد سخن می‏گویند که در سال‏ گذشته منتشر شده است،اشاره کردند حقایقی را امریکایی‏ها براساس اسناد متقن گفته‏اند که خیلی از ابهامات را در وقایع‏ ملی کردن صنعت نفت و کودتای 28 مرداد را بر طرف می‏کند و بسیاری از تصورات ما را باطل می‏سازد.

آن‏گاه آقای پروفسور حسن امین از شخصیت‏های علمی و فرهنگی بدین شرح مطالبی بیان داشتند:

«مطبوعات در دوران حکومت ملی دکتر مصدق دو وجه مثبت‏ داشتند:

اول این که اهل قلم نیازی به اخذ مجوز برای انتشار مطبوعات‏ نداشتند و هر کس که علاقه‏مند به نشر مطبوعه‏یی اعم از روزنامه‏ یا مجله بود،می‏توانست بدون این که منتظر بماند«صلاحیت»او از طرف دولت وقت تأیید شود،دست به انتشار بزند.این امر،در آن‏ برهه،در عمل،چنان که آقای طلوعی گفتند،موجب«هرج و مرج‏ مطبوعاتی»و از جمله نشر روزنامه و هفته‏نامه به وسیله‏ی چند تن‏ بی‏صلاحیت هم شد؛اما به عقیده‏ی من این تقصیر دولت وقت‏ نیست.در یک جامعه‏ی دموکراتیک،ناشر روزنامه نباید محتاج تأیید صلاحیت از طرف دولت و اخذ پروانه از دولت باشد.اما اگر اشخاص‏ فقاد صلاحیت از این آزادی سوء استفاده کنند،جامعه باید با فرهنگ‏ کافی،فحش‏نامه‏ها و انتشارات بی‏ارزش را بایکوت کند و انتشارات‏ چنان مطبوعاتیان ناصالحی را نخرد.

نکته‏ی دوم این که در دوره‏ی حکومت ملی دکتر مصدق،علاوه‏ بر رونق مطبوعات در تهران،مطبوعات مستقل در سرتاسر کشور حتا در شهرهای کوچک هم پاگرفت و مثلا در شیراز،روزنامه‏های‏ پارس،جهان‏نما و گلستان منتشر می‏شد و این‏ها همه در بخش‏ خصوصی و مستقل از دولت منتشر می‏شدند».

2-نقادی‏های مختلف

نکته‏یی که در طول پرسش و پاسخ این همایش برای من قابل‏ اعجاب بود،این بود که پس از گذشت 54 سال از تشکیل کابینه‏ی‏ دکتر مصدق در اردیبهشت 1330 و نقش مهمی که او در ملی کردن‏ نفت بازی کرد و در چندین جناح داخلی و خارجی بی‏امان مبارزه‏ کرد،هنوز اغراض و حبّ و بغض‏ها و بهتر بگویم،عقده‏ها خاموش‏ نشده‏اند تا حدّی که یکی از منتقدان معتقد بود،مصدق قصد داشت‏ سرتیپ افشار طوس را اعدام کند!و خودش وسایلی فراهم کرد تا کودتای 28 مرداد 1332 وقوع پیدا کند!

این آقای منتقد،علاوه بر این که قهرمان ملی ایرانیان را که در خاورمیانه درخشید،نفی می‏نماید،پا روی حقایق می‏گذارد.به‏ قضاوت تاریخ،مصدق اولین شخصیت سیاسی بود که در برابر استعمار قد علم کرد و انواع دشنام‏ها را شنید و خانه‏اش را تاراج‏ کردند و پای میز محاکمه رفت و علاوه بر سه سال حبس مدت‏ دوازده سال در احمد آباد در واقع تبعید نبود،بلکه زندانی بود،تا حدی‏ که مکاتبات خصوصی او زیرنظر ماموران ساواک به زحمت صورت‏ می‏گرفت و ممنوع الملاقات بود،حال به زعم عده‏یی به کمک‏ انگلیس‏ها به نخست‏وزیری رسیده است؟این استدلال به قدری‏ بی‏پایه است که حاجت به پاسخ ندارد و تاریخ قضاوت صحیح را خواهد کرد.

منتقدان دیگر،بی انصافانه مشاورین مصدق را«عامی» نکته‏ی جالبی که در این موضوع به نظر این بنده رسیده است، این است که شادروان دکتر مصدق پس از پنجاه سال سابقه‏ی‏ سیاسی،مطالعات حقوقی و تجربیات فراوانی که در زمینه‏های‏ سیاست‏مداری و مطالب حقوقی آموخته بود و از طرفی اختیارات‏ قانون‏گذاری از مجلسین شورای ملی و سنا به او تفویض شده بود،به‏ فرض این که مشاوران ایشان پیشنهاد پنجاه،پنجاه بانک جهانی را مغایر قانون ملی کردن نفت دانستند،آیا نمی‏توانست با تصویب‏ لایحه‏یی در مواد قانون ملی کردن صنعت نفت جرح و تعدیلی ایجاد کند و در نتیجه این پیشنهاد را بپذیرد؟

آیا با فراستی که او داشت فکر نمی‏کرد،اگر این پیشنهاد را نپذیرد،چرچیل و آیزنهاور که دست در دست یک‏دیگر داشتند،به‏هر نحوی شده مقدمات سقوط او را فراهم خواهند کرد و اگر مصدق به‏ این بن‏بست رسیده بود،چرا به جای استعفا و کناره‏گیری که وجهه‏ی‏ سیاسی خود را هم حفظ می‏کرد،مقدمات سقوط حکومت خود را با کودتای 28 مرداد فراهم کرده است؟

از این‏ها گذشته آیا مصدق استنباط نکرده بود که شرکت‏های‏ نفتی معروف به «هفت خواهران»به کمک دولتین انگلیس و امریکا با منافع سرشاری که از ذخایر نفتی خاورمیانه می‏بردند و کماکان‏ می‏برند،ممکن نبود به ایران اجازه دهند،بیش از حدّ معیّنی امتیاز داشته باشد.در واقع رد پیشنهاد بانک جهانی،هسه‏ی اولیه‏ی‏ تشکیل کنسرسیوم نفت با شرکت هشت شرکت خارجی در حکومت‏ تیمسار زاهدی را گذاشت.عقل سلیم قبول نمی‏کند که دکتر مصدق‏ به این مسایل توجه نداشت و غافل بود که پافشاری زیاده از حد پای‏ شرکت‏های خارجی را در این جا باز می‏کند و به عقل مصدق نرسیده‏ بود که بین بد و بدتر مسلّما برای حفظ منافع کشور بد را انتخاب کند؟ و شرکت ملی نفت ایران با وجود استخدام کارشناسان انگلیسی به‏ مصالح ایران نزدیک‏تر بود تا پای امریکا و فرانسه و هلند هم باز شود و منافع جزیی به ما بدهند.دکتر علی امینی در مجلس صریحا بگوید:این قرارداد ایده‏آل نیست،بهتر از آن کوشش ما به جایی‏ نرسید.

من همواره فکر می‏کردم با گذشت نیم قرن بالاخره پرده‏های‏ ابهام از وقایع ملی کردن نفت،برداشته خواهد شد،ولی با پرسش و پاسخ‏هایی که در این همایش که چه از نظر شخصیت سخنرانان و چه مقام اجتماعی مدعوین قابل ملاحظه بود،شنیدم،به این نتیجه‏ رسیدم که هنوز زود است تا گفتنی‏ها بیان شود و هنوز عقده‏هایی‏ هست که نمی‏گذارد،حقایق افشا گردد.

آرزو می‏کنم تا حیات دارم شهد روزی باشم که در این‏ گردهمایی‏ها اشخاص بی‏غرض،حقوق‏دان و کارشناسان سیاسی و اقتصادی این قضایا را حلاجی کنند و خصوصا نسل جوان را درباره‏ی‏ تاریخ معاصر کشورمان آگاه نمایند و از سردرگمی رهایی یابند.

3-دفاع از مهندس حسیبی

ضمنا این که گفته شد مشاوران دکتر مصدق مردم عامی بودند، خیلی بی‏انصافی‏ست.یکی از مشاوران صدیق ایشان که در (به تصویر صفحه مراجعه شود)دانشگاه‏های انگلستان تحصیلات عالیه کرده بود،مهندس کاظم‏ حسیبی‏ست که علاوه بر این‏که حسابدار قسم خورده بود،در امر نفت‏ و به طور کلی معادن اطلاعات وسیعی داشت،و نبایستی فراموش‏ کنیم که نطق‏های طولانی حسین مکّی نماینده‏ی تهران در دوره‏ی‏ پانزدهم مجلس شورای ملی،درباره‏ی رد لایحه‏ی گس-گلشائیان‏ را او تهیه کرده بود و سراسر انتقاداتی که کرده بود،مبنای علمی‏ داشت و دلایل مستدّلی ارائه کرده بود.

یکی از منتقدان حاضر در این جلسه ایراد گرفت که حسیبی با استخاره تصمیم می‏گرفت؛ولی نمی‏توان او را به دلیل آن‏که‏ اعتقادات مذهبی داشت و گاهی استخاره می‏کرد،به کلی نفی کرد و او را عامی خطاب کرد.بدبختانه مهندس حسیبی از میان رفته است‏ و خودش نیست که جواب دهد چرا پیشنهاد بانک جهانی را که به‏ مصدق داده بودند،او ارار ورزید،نپذیرد؛چه منافعی را در خطر دیده بود؟و نباید نادیده بگیریم که مصدق به آسانی زیر بار کسی‏ نمی‏رفت و لو آن‏که از دوستان و یارانش باشند.

بزرگداشت فروهرها

در بعدازظهر روز یکم 1384 مراسم هفتمین سالگرد قتل‏ داریوش و پروانه فروهر در منزل آن دو(واقع در تهران،دروازه‏ شمیران،خیابان هدایت)با حضور بسیاری از مردان و زنان‏ فرهیخته و آگاه بویژه جوانان و دانشجویان برگزار شد.

تنها سخنران این مراسم،پرستو فروهر بود و شخصیت‏های‏ زیر در منزل فروهرها حضور یافته بودند:(به ترتیب حروف الفبا): دکتر سعید آل آقا،مهندس بهاء الدین ادب،دکتر مه‏لقا اردلان، مهندس عباس امیر انتظام،پروفسور حسن امین،دکتر هر میداس‏ باوند،ادیب برومند،محمد بسته نگار،دکتر ناصر تکمیل همایون، سرهنگ نصر اللّه توکلی،دکتر فریبرز رئیس دانا،دکتر ناصر زرافشان،دکتر احمد زیدآبادی،احمد ساعی،مهندس عزت اللّه‏ سحابی،خسرو سیف،مهندس حسن شاه اویسی،حسین‏ شاه حسینی،هدی صابر،شیرین عبادی،دکتر محمد تقی متقی‏ بهبهانی،دکتر محمد ملکی،شیخ احمد منتظری،مهندس‏ نظام الدین موحد،عبد اللّه مؤمنی،دکتر احسان نراقی،دکتر پرویز ورجاوند.